

فهرست

مجموعه اشعار

محمد علی بهمنی



مؤسسه انتشارات نگاه

۲۵	سخن ناشر	۲۵
۲۶	۲۶
۲۷	۲۷
۲۸	۲۸
۲۹	۲۹
۳۰	۳۰
۳۱	۳۱
۳۲	۳۲
۳۳	۳۳
۳۴	۳۴
۳۵	۳۵

فهرست

۳۵	فتح طلسم‌ها	۳۵
۳۷	با باد	۳۷
۴۰	بعد از عبور	۴۰
۴۱	معراج بی برگشت	۴۱
۴۳	میهمانی	۴۳
۴۴	وهرزه‌ای دیگر	۴۴
۴۶	عطسه	۴۶
۴۷	شب	۴۷
۴۸	زندگی	۴۸
۵۰	برگ	۵۰
۵۱	باغ لال	۵۱
۵۲	صبح	۵۲
۵۳	صبحانه	۵۳

۸۵ (شب و تنهایی و چشمان بی خواب)
۸۶ (ساعت وعده سر رسید و گذشت)
۸۷ (تلفن زنگ زد، دو بار، سه بار)
۸۸ خواب

در فصل عطسه‌های پیاپی

۹۳ من و تو
۹۶ من هنوز زنده‌ام
۹۸ کلید
۱۰۰ ساعت
۱۰۲ در فصل عطسه‌های پیاپی
۱۰۴ زیبایی به ثبت رسیده
۱۰۶ هذیانی
۱۰۷ ای چشم‌ها
۱۰۸ گهگاه دوست!
۱۰۹ در خانه‌ی خودم
۱۱۰ کوهی
۱۱۱ ای خالق دوباره‌ی ققنوسان
۱۱۳ نام

در بی‌وزنی

۱۱۷ باستانی
۱۱۹ انفرادی
۱۲۱ سایه

۵۴ گپ
۵۶ خسته
۵۸ فصل
۵۹ گریه
۶۰ سؤال
۶۲ من و تو
۶۳ آسمان
۶۴ هزار مرتبه کوچک‌تر
۶۵ راز
۶۶ کبوتری بفرست
۶۷ وهم
۶۸ کودکی‌ها
۷۰ فکر
۷۱ فردا
۷۲ آفتاب مهتاب چه رنگه
۷۴ موزه
۷۵ یاد
۷۶ دیوار
۷۸ زیارت
۷۹ مادر
۸۱ ۱ (گنجشک‌ها را ذوق آواز)
۸۲ ۲ (هواشنه، زمین بی‌سایه، تب‌دار)
۸۳ ۳ (فناری، از نفس می‌ماند و می‌خواند)
۸۴ ۴ (لب تو، گرم‌ترین آتش زمستانی)

- ۱۵۰ ۸ ایستاده بودم که پرنده رفت.
- ۱۵۱ ۹ زیبایی تو / حرف ندارد.
- ۱۵۲ ۱۰ (خود را که می شکستم)
- ۱۵۳ ۱۱ (برگ، / هنوز نرفته)
- ۱۵۴ ۱۲ (زیبایی تو / در سنگ رسوخ می کند).
- ۱۵۵ ۱۳ (تا این صفحه‌ی تاخورده)
- ۱۵۶ ۱۴ (اضطرابی در جانش)
- ۱۵۷ ۱۵ (بانگ اقیانوس دارد / صدف شعرم)
- ۱۵۸ بر صندلی غروب
- ۱۵۹ آتش می گیرد چمن
- ۱۶۱ آفتاب
- ۱۶۲ سکوت
- ۱۶۳ رؤیایی بیرون آمده از خواب
- ۱۶۵ نفس‌های پژواکی

امانم بده

- ۱۶۹ از تو گفتن
- ۱۷۱ سرود کار
- ۱۷۳ دیوار سنگی
- ۱۷۵ هنوز می شه یه کاری کرد.
- ۱۷۷ وقتی هوا ابری می شه
- ۱۷۹ اگه برگردی
- ۱۸۱ بیا با هم حرف بزنیم
- ۱۸۳ سه چار تا جمله‌ی قشنگ

- ۱۲۳ چقدر چشم‌های تو حسودند
- ۱۲۵ کسی در خانه نیست
- ۱۲۶ تو کلمات را می خرامی
- ۱۲۸ باد
- ۱۲۹ گپ

لحظه‌های شماره شده

- ۱۳۳ ۱ (چه گونه از روزنی می گذشتم)
- ۱۳۴ ۲ (شعرم جدار خاکستر دارد)
- ۱۳۵ ۳ (نمک سوخته‌تر از آنی که زمان فاسدت کند)
- ۱۳۶ ۴ (با گندمی زمینی شدم)
- ۱۳۷ ۵ (چشمی / شکار کرد مرا / دیشب)
- ۱۳۸ ۶ (با هر شعر / در جمعیتی گم می شوم)
- ۱۳۹ ۷ (طوفان / نسیمی ست که می وزد)
- ۱۴۰ ۸ (پروانه / بی تاب گلی ست که برای تو چیده ام)

- ۱۴۱ دغدغه‌های ثبت شده
- ۱۴۳ ۱ (چیزی نمانده بود)
- ۱۴۴ ۲ (پژواک، / کسی ست در سنگ)
- ۱۴۵ ۳ (حتی / طرح خورشیدی)
- ۱۴۶ ۴ (این همه گنجشک / بر یک درخت)
- ۱۴۷ ۵ (خورشید / صبحانه‌ی من است)
- ۱۴۸ ۶ (پلک سفره را می گشایم)
- ۱۴۹ ۷ (یادگار من است / این درخت)

من بعد اما
ممنجان جلالی من دادم
باز اگر در راهها می یافتی که ای پلوان نامه
من می ماند به لعل و روانه
بعد از عبور

با شناسم
کاروان رفتم را
شاید که روزی باز می دیدم
شاید اما
بار فقیم سواد
یک شب عطر یارم را
بار خورجین یارم را
به غارت برد

بعد از عبور
فاصله ها را شناختم
بعد از گذشتن از همه ی هفت خوان راه
بعد از چهار نعل مداوم که تاختم
تا چشمه از برنگ کاروان من
از کویر
نزدیک تر از آنچه تو پنداری ست.

پدله صحرای
تا او شسته

معراج بی برگشت

ز بهر تقدیر
تسبیح لسان و سینه ی بیخیزد
شعر به اهل تشنه ی روح و جان
ل و ال که ز لاله ی زبا سینه کلاه
بچه به اهل تشنه

بجای خفا
بجای خفا
پدله صحرای را که
لست ل

مرغ گرچم

انتظار آخر پائیز را دارد ای مرغ

و خروسم
صبح و ظهر و عصر
می خواند
موش خانه
گر بهی همسایه را تا مژده نفرستد
جوجه هایم را
از این بیغوله خواهم برد